

«بی نشان» در پی نشانی

مجموعه تلویزیونی «بی نشان» به کارگردانی راماقویدل و نویسندگی مشترک آریتا ایرانی و مهدی حمزه محصول شبکه سه است که تهیه کنندگی آن را امرتضی رزاق کریمی بر عهده دارد. این سریال که تصویربرداری آن تلبستان ۱۴۰۰ آغاز شده ۳۰ قسمت دارد. موضوع «بی نشان» درباره خبرنگار پیشکسوتی است که نقش آن را پرویز قلاچی پور بازی می‌کند. این خبرنگار که سال‌ها تلاش خود را کرده ناز رسالت خویش ذره‌ای نخطی نداشته باشد حالا با مشکلات عدیده‌ای در مواجهه با مفسدان روبه‌رو شده است. این مجموعه که تاکنون چند قسمت از آن روی آنتن شبکه سه رفته است با اقبال خوبی مواجه شده. راماقویدل اعتقاد دارد این سریال نسبت به دیگر آثارش بیشتر دیده شده است. همین امر می‌تواند مخاطبانی را که تاکنون «بی نشان» را دنبال نکرده‌اند مجاب کند این سریال را دنبال کنند. در این مجموعه پر بازیگر چهره‌های سرشناسی نظیر پرویز قلاچی پور، نیوشا ضیغمی، قاسم زارع و مریم کاویانی به نقش آفرینی پرداخته‌اند.

سید مهدی فخرنویی
گفت و گو

که همیشه آماده حمله‌اند از همان اول بداند که مقصد اشاره به هیچ شخصی، نهاد یا مؤسسه خاصی را نداریم و این داستان قرار نیست به کسی اتهام وارد کند.

باتوجه به سریال‌های نمایش خانگی فکر می‌کنید مجموعه تلویزیونی «بی نشان» چقدر دیده شود؟

تا به اینجای کار که چند قسمت از سریال بخش شده است، بازخوردهای خوبی داشته و بیشتر از بقیه کارهای من دیده شده که این موضوع برای من خیلی خوشحال کننده است. به هر حال پلتفرم‌ها و مدیاهای متفاوت، هر کدام مخاطبین خودشان را دارند. بنظر من کیفیت اثر از همه چیز مهم‌تر است. زیرا مخاطب هوشمند امروز به قدر کافی می‌داند که چه کاری به او احترام می‌گذارد و چه کاری عملاً به شعورش توهین می‌کند. همین امر باعث می‌شود که احترام مخاطب به کار هم متقابل باشد و این بد بهستان تا انتهای بخش کار رعایت می‌شود. قاعدتاً وقتی که مخاطب این احساس احترام را داشته باشد، کار به جان و دلش می‌نشیند. حال فرقی نمی‌کند که بخش کار از تلویزیون باشد یا شبکه‌های نمایش خانگی.

سریال بی نشان به لحاظ تصویری و حرکت‌های دوربین به شدت نزدیک به کارهای سینمایی بود. با من موافقت می‌کنید؟

من همواره گفته‌ام که مدیوم چه تلویزیون باشد چه سینما فرقی نمی‌کند. فیلم‌سازی مقوله واحدی است. تفاوت این‌ها در چند پارامتر جزئی است. سریال یک فیلم بلند است که به صورت تقطیع شده بخش می‌شود. زینش هم زبان سینماست. در گذشته که صفحه تلویزیون کوچک‌تر بود، فیلم‌سازان باید پارامترهای بیش‌تری را لحاظ می‌کردند. اما حالا به مدد تکنولوژی‌های روز، صفحه‌های تلویزیون بسیار بزرگ‌تر و به برده سینما نزدیک‌تر شده است. در واقع دستور زبان سینما و تلویزیون به هم نزدیک‌تر هم شده است. از طرفی من فرزند سینما هستم و پدرم کارگردان بزرگ سینما است. برای همین زبان سینما را یاد گرفته‌ام. بنابراین این یک جور فیلم‌سازی بلدم که همان را در عمل پیاده می‌کنم. اگر فیلم سینمایی من را هم ببینید به لحاظ ساختاری با سریال‌هایی که می‌سازم تفاوت ماهیتی ندارند.

بخش بزرگ این تحقیقات بر عهده آریتا ایرانی و مهدی حمزه نویسندگان فیلمنامه سریال بود. من تحقیقات جدی چندانی روی این ماجرا انجام ندادم؛ چون فضای مطبوعاتی را از قبل می‌شناختم. از طرفی هم‌طور که عرض کردم نویسنده‌ها تحقیقات کافی را در این زمینه انجام داده بودند.

با توجه به موضوع سریال شما نگران حواشی بعدش نبودید؟

معمولاً وقتی فیلم و سریالی می‌سازم، یعنی به آن اعتقاد دارم. تا الان هم یاد نمی‌آید چیزی را ساخته باشیم که به آن معتقد نبوده باشیم. برای نمونه من در فیلم سینمایی ام به فضای سینمای حرفه‌ای و مسائل درونی آن پرداختم؛ چون آن را خوب می‌شناسم و به هر آن چه در آن فیلم هم ساختم معتقدم؛ از سویی هم‌کاران من در سینما آدم‌هایی غیر منطقی نیستند و همیشه سعه صدر بسیار زیادی از خود نشان داده‌اند.

در طول مدت ساخت این سریال با چه مشکلاتی مواجه بودید؟

مامشکل خاصی بیشتر از بقیه کارهایی که در ایران تولید می‌شود نداشته‌ام. به هر حال در حرفه فیلم‌سازی در کشور مانع‌ای مطلق وجود دارد که غیر قابل رفع است و ما هم به عنوان فیلم‌سازان این تقابلی روبه‌رو هستیم و سعی می‌کنیم آن‌ها را به حداقل برسانیم اما در نهایت نمی‌توانیم آن‌ها را رفع کنیم. در نتیجه باز سر کار بعدی با آن مواجه می‌شویم.

با توجه به کیشن ابتدایی سریال، آیا شخصیت‌های این مجموعه مابه‌ازای بیرونی هم داشتند؟

به هر حال زملی که داستانی نوشته می‌شود از واقعیت‌ها هم الهام گرفته شده است اما این تمام واقعیت نیست. ممکن است جرقه ابتدایی فیلمنامه در ذهن فیلم‌نامه‌نویس یا کسی که طراح اولیه‌ی داستان بوده از یک اتفاق واقعی آمده باشد اما در ادامه تبدیل به داستان شده و از واقعیت کملاً فاصله گرفته باشد. بالطبع موارد واقعی، دیگر هیچ فرایندی با این ماجرا ندارند و از سویی با توجه به تجربیات قبلی حتماً باید این کیشن را در ابتدای سریال می‌آوردیم که معترضان و کسانی

راماقویدل:

«بی نشان» از دیگر آثارم بیشتر دیده شد

راماقویدل یکی از کارگردان‌های سینما و تلویزیون است که در طول این سال‌ها کارکنار فعالیت‌های سینمایی‌اش به تولید فیلم و سریال تلویزیونی هم پرداخته است. او فرزند امیر قویدل یکی از کارگردانان مطرح سینما ایران است. اولین اثر سینمایی‌اش فیلم چاقی بود که سال ۱۳۹۳ ساخته شد و «ایلد» آخرین مجموعه تلویزیونی راماقویدل محسوب می‌شود. او حالا با سریال بی نشان به شبکه سه آمده است.

سریال بی نشان چطور شکل گرفت؟

تقریباً اواخر زمستان سال ۹۹ بود که مرتضی رزاق کریمی از من برای این سریال دعوت به همکاری کرد. فیلم‌نامه را خواندم و احساس کردم آن را دوست دارم. اواخر بهار کار پیش تولید را آغاز کردیم و تلبستان فیلمبرداری شروع شد.

فکر کنم خبرنگاران سهم زیادی در این مجموعه دارند. درست است؟

بله همین‌طور است. شخصیت اصلی سریال یک خبرنگار متعهد و حقیقت‌جو است.

شما پیش از این، کار خبری هم کرده بودید؟

سال‌های ابتدای جوانی به عنوان منتقد در تحریریه روزنامه‌های مشغول به کار بودم. بنظر این با فضای مطبوعات آشنایی خوبی دارم. چند سالی در روزنامه‌ها و مجلات مختلف قلم زدم؛ همواره فضای مطبوعاتی برایم فضای دلنشین و جذابی بوده و هست.

آن سال‌ها نقدهای سینمایی می‌نوشتید؟

تقریباً اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ نقد موسیقی می‌نوشتیم. علاوه بر آن جسته و گریخته در مطالب علمی راجع به ریاضیات، نجوم و موضوعات علمی متفرقه هم قلم می‌زدم. همین اواخر هم در یک روزنامه سینمایی ستونی هفتگی داشتم و به شکل مرتب و طولانی مدت در آن می‌نوشتیم.

چقدر برای سریال بی نشان تحقیق صورت گرفت؟